

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۸۹/۱۱/۰۵

موضوع: بدعت‌های عثمان؛ نماز مسافر از دیدگاه شیعه و سنی (۱)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلوة و السلام على رسول الله و على آله آل الله لاسيما مولانا بقرية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله

بحث ما در رابطه با بدعت‌های خلیفه سوم بود. یکی از این بدعت‌ها تبدیل کردن نماز دو رکعتی در منا به نماز چهار رکعتی بود. اشاره شد که به طور کلی نماز مسافر از دیدگاه علمای اهل سنت دو رکعتی است. سنت پیغمبر اکرم بر محور دو رکعتی در سفر است.

ما وعده دادیم جلساتی را به بحث نماز مسافر از دیدگاه شیعه و اهل سنت پردازیم، زیرا برای بعضی از عزیزان سؤال مطرح بود مبنی بر اینکه نظر آقایان اهل سنت در مورد نماز در سفر چیست.

ما بارها گفته‌ایم که برای دسترسی به آرای فقهاء و علمای بزرگ اهل سنت، از هر مذهبی یک کتاب مفصل وجود دارد. ما از فرقه شافعی‌ها کتاب «الأم» که اثر «امام شافعی» است را معرفی کردیم. ایشان در آنجا مطالب را به طور مفصل آورده است. این کتاب در حقیقت هم کتاب روایی و هم کتاب فتوایی است. همچنین کتاب «المجموع» کتاب فتوایی مفصلی مانند کتاب «جواهر» ما شیعیان است. این کتاب اثر «نووی» در فقه شافعی است. در فقه مالکی کتاب «المدونة الكبرى» اثر «مالک» هست. این کتاب هم تقریباً شبیه «جواهر» هست و کتاب مفصلی است.

بنده هرکدام از این کتاب‌ها را ذکر می‌کنم، تقریباً بیست الی سی جلد است. کتاب «المغنی» اثر «ابن قدامه مقدسی» کتاب مفصل فقهی آقایان حنبلی‌ها است.

کتاب «المبسوط» اثر «سرخسی» کتاب آقایان احناف است. احناف در این اواخر به کتاب «حاشیه» اثر «ابن عابدین» ارادت خاصی دارند. اگر کسی بخواهد آرای فقهای اهل سنت را در مباحث فقهی بداند، اینها کتاب‌های مفصل آن‌ها است. علمای اهل سنت کتاب‌های غیر مفصل زیاد دارند.

مذهب دیگری است به نام «ظاهری» وجود دارد که منتسب به «داوود ظاهری» است. مفصل‌ترین کتاب فقهی این مذهب کتاب «المحلی» اثر «ابن حزم» است که حدود یازده یا دوازده جلد است. البته چاپ سابق این کتاب یازده یا دوازده جلد است. اگر بخواهد مثل کتاب «جواهر» چاپ شود، شاید حدود سی و پنج جلد شود.

اگر شما به این کتب مراجعه کنید، می‌بینید که در رابطه با صلاة مسافر بسیار مفصل وارد شده‌اند. شرط دانستن مسافت در سفر تقریباً اجماعی است به این معنا که شما کسی را پیدا نمی‌کنید که در سفر مسافت را شرط نداند.

«مرحوم صاحب جواهر» هم وقتی می‌خواهد بحث صلاة مسافر را مطرح کند، می‌گوید نماز مسافر شش شرط دارد که یکی از آن شرایط مسافت است. ایشان سپس می‌گوید:

«الأول اعتبار المسافة فيها بلا خلاف فيه بيننا بل و بين سائر المسلمين، بل هو إن لم يكن ضروريا
عندهم فهو مجمع عليه بينهم»

اول اینکه اعتبار مسافت بین ما و سایر مسلمین مورد اختلاف نیست. بحث مسافت در میان امت اسلامی و علمای اسلامی مجمع علیه است.

جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، نویسنده: نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، ج ۱۴، ص ۱۹۳،

باب الشرط الأول اعتبار المسافة

ایشان می‌گویند: تمامی مذاهب اهل سنت به غیر از «داوود ظاهری» که با مذاهب دیگر کمی تفاوت دارد، با ما هم عقیده هستند. البته این مذهب هم به مسافتی مانند «قلیلاً کان أو کثیراً» قائل هستند. ایشان هم مسافتی را شرط می‌دانند که مسافر باید از شهر بیرون رود.

«مرحوم صاحب جواهر (رضوان الله تعالی علیه)» شروع به مطرح کردن اقوال فقهای شیعه می‌کند.

اگر آقایان خواستند مراجعه کنند، کتاب «مختلف الشیعة» اثر «علامه حلی» اقوال مختلف علمای شیعه را در رابطه با مسافت خیلی مفصل آورده است و اختلافاتی که در بحث مسافت بین آقایان است، در آنجا بیان شده است.

بنده قبل از اینکه اقوال فقهای اهل سنت را عرض کنم، برای اینکه روشن شود که بحث مسافت از دیدگاه شیعه تقریباً مجمع علیه است و روایات صحیحی از ائمه به ما رسیده و ائمه اطهار در همین روایات مسافت، متعرض نماز در منا شده‌اند، چند روایت عرض می‌کنم.

یکی از سؤالاتی که در زمان ائمه اطهار مطرح بوده است، این بود که چرا اهل سنت در منا نماز را چهار رکعتی می‌خوانند؛ حال آنکه بین مکه تا منا مسافت شرعی تحقق دارد. «زراره» و «محمد بن مسلم» از قول امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کنند:

«وَقَدْ سَافَرَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى ذِي حُشْبٍ وَ هِيَ مَسِيرَةٌ يَوْمٍ مِنَ الْمَدِينَةِ»

نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به ذی حشِب که بین مکه و مدینه است، مسافرت کردند و آن اندازه مسیر یک روز است.

دقت داشته باشید مسافت میان مدینه تا ذی‌خشب به اندازه مسافتی بود که یک مسافر از اول روز تا آخر روز راه می‌رود. بعد می‌فرماید:

«يَكُونُ إِلَيْهَا بَرِيدَانِ أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرُونَ مَيْلًا»

به اندازه دو نامه‌بر یا بیست و چهار میل است.

کلمه «برید» به معنای نامه‌بر است. زمان سابق که تلگراف و امثال آن نبود، یک نامه‌بر از مدینه تا چهار فرسخی می‌آمد و در آنجا نامه را به نامه‌بر دوم تحویل می‌داد. نامه‌بر دوم از آنجا تا مقطع دیگری می‌آمد و به نامه‌بر سوم تحویل می‌داد.

نامه‌برها به همین شکل ادامه می‌دادند تا نامه زودتر برسد. بین مدینه و ذی‌خشب به اندازه دو برید یعنی دو نامه‌بر و بیست و چهار میل است. عرض کردم که سه میل یک فرسخ است که هشت فرسخ می‌شود. راوی می‌گوید: پیغمبر اکرم به ذی‌خشب مسافرت کردند. ظاهراً این قضیه مربوط به زمان قبل از فتح مکه است که منجر به بیعت رضوان شد.

«فَقَصَرَ وَ أَفْطَرَ فَصَارَتْ سُنَّةً»

پیغمبر اکرم هم نمازشان را قصر خواندند و هم افطار کردند که این به سنت تبدیل شد.

عمل رسول الله به این سنت تبدیل شد که هرکسی به اندازه دو برید یا بیست و چهار میل یا دو نامه‌بر مسافرت کند، باید نمازش را قصر بخواند

«وَ قَدْ سَمَى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) قَوْمًا صَامُوا حِينَ أَفْطَرَ الْعُصَاةَ»

بعضی از صحابه برخلاف نظر پیغمبر اکرم افطار نکردند و روزه گرفتند که حضرت از آنها به عصیانگر و معصیت‌کار تعبیر کردند.

«قَالَ (عليه السلام) فَهُمُ الْعَصَاةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

کسانی که در برابر پیغمبر ایستادند و برخلاف دستور آن بزرگوار روزه خود را افطار نکردند، جزو عصیانگران تا قیامت هستند.

«وَ إِنَّا لَنَعْرِفُ أَبْنَاءَهُمْ وَ أَبْنَاءَ أَبْنَائِهِمْ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا»

ما فرزندان و فرزندان فرزندان کسانی که در برابر پیغمبر اکرم مقاومت کردند و مخالفت کردند را می‌شناسیم.

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص ۴۳۴، ح ۱۲۶۵

البته اگر آقایان به کتاب «صحيح مسلم» که یکی از معتبرترین کتاب‌های برادران اهل سنت بعد از قرآن است مراجعه کنند، وارد شده است:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ حَرَجَ عَامَ الْفَتْحِ إِلَى مَكَّةَ فِي رَمَضَانَ فَصَامَ حَتَّى بَلَغَ كِرَاعَ الْعُمَيْمِ فَصَامَ النَّاسُ ثُمَّ دَعَا بِقَدَحٍ مِنْ مَاءٍ فَرَفَعَهُ حَتَّى نَظَرَ النَّاسَ إِلَيْهِ ثُمَّ شَرِبَ»

پیغمبر اکرم در سفری برای فتح مکه می‌رفتند. در وسط راه بعضی از صحابه به همراه پیغمبر اکرم روزه‌دار بودند. رسول الله آب طلب کردند و جلوی صحابه افطار کردند.

دلیل این کار رسول گرامی اسلام این بود که افطار کردن روزه توسط مسافر به سنت تبدیل شود.

«فَقِيلَ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ إِنَّ بَعْضَ النَّاسِ قَدْ صَامَ»

اطرافیان به حضرت گفتند که تعدادی از صحابه افطار نکرده‌اند و روزه گرفتند.

معنای این کار صحابه این بود که خداوند فرموده است در ماه رمضان روزه بگیرید، اما نستجیر بالله پیغمبر اکرم اشتباه کرده است که فرمود: روزه خود را بخورید! در حقیقت این کار هم نوعی اجتهاد است. وقتی در اجتهاد باز شود و معاویه اجتهاد کند و صد و ده هزار نفر از صحابه را بکشد، «طلحه» و «زبیر» و «عایشه» اجتهاد کنند و سی هزار صحابه را به کشتن بدهند، «خالد» اجتهاد کند و صحابی و وکیل پیغمبر اکرم به نام مالک را بکشد و با زن او هم زنا کند، دیگر فرقی نمی‌کند. اجتهاد، پدر و مادر نمی‌شناسد! صحابه هم در برابر پیغمبر اکرم می‌گویند: خداوند فرموده است روزه بگیرید، اما پیغمبر دستور می‌دهد روزه خود را بخورید! اجتهاد ما هم این است که نباید روزه خود را بخوریم! رسول گرامی اسلام فرمودند:

«أُولَئِكَ الْعُصَاةُ أُولَئِكَ الْعُصَاةُ»

آن‌ها عصیانگران هستند! آن‌ها عصیانگران هستند!

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۲، ص ۲۸۵، ح ۱۱۱۴

این افراد هم صحابه بودند، اما نه صحابه‌ای که دیروز آمده باشند و از معارف اسلامی خبر نداشته باشند. این افراد صحابه‌ای بودند که مدتی با پیغمبر اکرم و در رکاب آن بزرگوار هستند، برای فتح مکه می‌روند و می‌خواهند جانبازی کنند.

این افراد جان خود را در کفه اخلاص گذاشته بودند تا برای فتح مکه بروند. تقریباً ده هزار صحابه در فتح مکه همراه نبی مکرم اسلام بودند و آن بزرگوار هم بهترین‌ها را انتخاب کرده بود. همین افراد در برابر پیغمبر اکرم

مقاومت و عصیان می‌کنند و به قول معروف ثابت کردن خلاف عدالت و فسق هم هزینه ندارد. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«أُولَئِكَ الْغُصَاةُ أُولَئِكَ الْغُصَاةُ»

البته داستان این ماجرا خیلی مفصل است. ظاهراً «أم سلمه» یا «أم ایمن» یا یکی دیگر از زنان پیغمبر اکرم نقل می‌کند که بر پیغمبر اکرم وارد شدم و دیدم که آن بزرگوار خیلی ناراحت، عصبانی و غضبناک هستند. عرض کردم: چرا ناراحت هستید؟ آن بزرگوار فرمود: من دستور می‌دهم که آن‌ها روزه خود را بخورند، اما نمی‌خورند. ایشان سپس فرمود: که شما برگردید و در میان مردم همینطور بخورید و هیچ حرفی نزنید. داستان این ماجرا خیلی طولانی است.

در روایت دیگری وارد شده است که یکی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) بنام «بجلی» از حضرت می‌پرسد:

«فِي كَمْ أَدْنَى مَا يَقْصَرُ فِيهِ الصَّلَاةُ»

در چه مقدار می‌شود نماز را شکسته خواند؟

«قَالَ جَرَّتِ السُّنَّةُ بِبَيَاضِ يَوْمٍ»

حضرت فرمود: سنت بر این است به اندازه‌ای که مسافرت بیاض یوم را اشکال کند.

در بعضی از روایات «مسیره شمس» وارد شده است به این معنا که سفر شما از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب اشکال بکند. اگر یک مسافرت به اندازه یک روز تمام بود و این سفر یک روز طول کشید، شما می‌توانید نمازتان را شکسته بخوانید. راوی می‌گوید:

«فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ بَيَاضَ يَوْمٍ يَخْتَلِفُ»

یک روز کامل مسیره شمس اختلاف دارد.

«يَسِيرُ الرَّجُلُ خَمْسَةَ عَشَرَ فَرْسَخًا فِي يَوْمٍ وَ يَسِيرُ الْآخَرُ أَرْبَعَةَ فَرَاسِخٍ وَ خَمْسَةَ فَرَاسِخٍ فِي يَوْمٍ»

بعضی افراد اسب تندرو دارند و پانزده فرسخ راه می‌روند، اما بعضی دیگر سه یا چهار فرسخ راه می‌روند.

ممکن است بعضی افراد بخواهند با شتر راه بروند که در این صورت کمتر از چهار فرسخ راه می‌روند. همچنین زمستان و تابستان فرق می‌کند.

گفتنی است زمستان و تابستان در اینجا فرق می‌کند، اما در عربستان به این شکل نیست. به دلیل اینکه عربستان سعودی خط استوایی است، زمستان و تابستانش زیاد فرقی ندارد.

«فَقَالَ إِنَّهُ لَيْسَ إِلَيَّ دَلِيلٌ يَنْظُرُ»

حضرت فرمود: مسافرت‌های غیر طبیعی ملاحظه نمی‌شود.

«أَمَا رَأَيْتَ سَبِيلَ هَذِهِ الْأَمْيَالِ بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ»

شما میل‌ها و فرسخ‌هایی که بین مکه و مدینه معین شده است را نمی‌بینید؟!

«ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ أَرْبَعَةَ وَ عِشْرِينَ مَيْلًا»

سپس با دست مبارکشانشان به بیست و چهار میل اشاره کردند.

«يَكُونُ ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخٍ»

ملاک هشت فرسخ است.

جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، نویسنده: نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، ج ۱۴، ص ۱۹۳،

المراد من المسافة

معمولاً قافله‌ها برنامه‌هایشان را طوری ترتیب می‌دهند که در هر روز بیشتر از هشت فرسخ نروند. در زمان گذشته در هر هشت فرسخ یک کاروان‌سرا بوده است، زیرا قافله‌ها به خاطر ناامنی و مشکلات دیگر نمی‌توانستند در بیابان سکونت کنند.

در زمان گذشته ابتدای هر هشت فرسخ یک کاروان‌سرا زده بودند. در این کاروانسراها هم برای شترها، اسب‌ها و چهارپایان طویله هم موجود بود و هم برای مسافری استراحت‌گاه فراهم بوده است.

حضرت فرمود: با توجه به این مکان‌هایی که برای سفرها معین شده است، ملاک همان هشت فرسخی است که ابتدای آن مکانی برای استراحت قرار داده شده است.

«مرحوم علامه» در کتاب «مختلف الشیعه» روایتی در این زمینه آورده است. این کتاب چاپ جدید با تحقیق جامعه مدرسین است و به حق هم خوب کار کرده‌اند. یکی از کتاب‌هایی که تحقیق جدید خورده است و بسیار دقیق است، کتاب «مختلف الشیعه» است.

این کتاب در زمان سابق به صورت رحلی و یک جلدی بود، اما اخیراً در دوازده جلد تحقیق شده است. در کتاب «مختلف الشیعه» ابتدا اقوال مختلف را می‌آورند و سپس چند روایت مختلف را نقل می‌کند. یکی از این روایت‌ها، روایتی از «عبدالله بن یحیی کاملی» است که نقل می‌کند:

«يَقُولُ فِي التَّفْصِيرِ فِي الصَّلَاةِ بَرِيدٌ فِي بَرِيدٍ أَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ مَيْلًا»

در این روایت وارد شده است که حد قصر در نماز به اندازه دو نامه رسان است. گفتنی است که هر نامه رسان چهار فرسخ راه می‌رفت و برمی‌گشت. نامه رسان بعدی هم چهار فرسخ می‌رفت و به مکان اول برمی‌گشت.

به بیان بهتر هر نامه رسان هر روز هشت فرسخ طی مسافت داشت. چهار فرسخ می‌رفت و نامه را به نامه رسان دوم می‌داد، سپس چهار فرسخ برمی‌گشت و در همان مکان اول می‌آمد و منتظر نامه بعدی بود. بعد حضرت فرمود:

«نُتْمَ قَالَ كَانَ أَبِي (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّ التَّقْصِيرَ لَمْ يَوْضِعْ عَلَى الْبُعْغَةِ السَّفْوَاءِ وَ الدَّائِبَةِ النَّاجِيَةِ»

پدرم امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: در تقصیر (شکسته شدن) نماز و اینکه مسافت تحقق پیدا کند، قاطرهای تندرو یا اسبهای تندرو ملاک نیست.

آقایان به این روایت دقت داشته باشید، زیرا قضایا را کاملاً روشن می‌کند. بعضی از آقایان ادعا می‌کنند که اگر ما بخواهیم مسیره یوم قرار دهیم، شاید با استفاده از ماشین‌های امروزه چهار فرسخ که هیچ، چهارصد فرسخ و بیش از آن هم در یک روز بتوان مسافرت کرد. یعنی ششصد، هفتصد کیلومتر، راحت می‌شود در یک روز با ماشین مسافرت کرد. با هواپیما که دیگر حد و حصری در این زمینه ندارد.

«نُتْمَ قَالَ كَانَ أَبِي ع يَقُولُ إِنَّ التَّقْصِيرَ لَمْ يَوْضِعْ عَلَى الْبُعْغَةِ السَّفْوَاءِ وَ الدَّائِبَةِ النَّاجِيَةِ»

پدرم امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: در تقصیر (شکسته شدن) نماز و اینکه مسافت تحقق پیدا کند، قاطرهای تندرو یا اسبهای تندرو ملاک نیست.

آن‌ها قطعاً مسافت بیشتری را طی می‌کنند.

«وَ إِنَّمَا وُضِعَ عَلَى سَيْرِ الْقَطَارِ»

کاروان‌هایی که معمولاً راه می‌روند بیشتر از هشت فرسخ مسافت طی نمی‌کنند.

تهذیب الأحکام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۴،

در این روایت وارد شده است کاروان‌هایی که در روز راه می‌روند متشکل از ده‌ها و صدها افرادی هستند که از اسب، قاطر، شتر و الاغ استفاده می‌کنند و به طور متوسط هر روز بیش از هشت فرسخ طی مسافت نمی‌کنند.

اگر این روایت را ملاک قرار بدهیم قضیه واضح و روشن است.

در اینجا ملاک اصلی همان هشت فرسخ است. «بیاض یوم» یا «مسیره یوم» هم قرینه برای هشت فرسخ است، نه اینکه «بیاض یوم» ملاک باشد و «ثمانیه فراسخ» قرینه برای آن باشد. همچنین روایت صحیحی از «ابو بصیر» وارد شده است که می‌گوید:

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي كَمْ يَقْضُرُ الرَّجُلُ»

از امام صادق سؤال کردم: چه مسافتی را مسافر طی کند تا نمازش شکسته شود؟

«فَقَالَ فِي بَيَاضِ يَوْمٍ أَوْ بَرِيدَيْنِ»

حضرت فرمود: «بیاض یوم» یعنی روشنایی روز یا مسافت دو نامه رسان.

«بیاض یوم» همان مقدار که یک مسافر از ابتدای روز که هوا روشن می‌شود تا آخر روز که هوا تاریک می‌شود طی می‌کند.

«قَالَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص خَرَجَ إِلَى ذِي حُسْبٍ فَقَصَرَ»

زمانی که پیغمبر اکرم به سوی ذی حشب وارد می‌شدند نمازشان را قصر می‌خواندند.

«فَقُلْتُ فَكَمْ ذِي حُسْبٍ»

از حضرت پرسیدم: فاصله بین مدینه تا ذی حشب چقدر است؟

«فَقَالَ بَرِيدَانِ»

فرمود: به اندازه دو برید است.

تهذیب الأحكام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۴،

ص ۲۲۲، ح ۲۶

همچنین روایت صحیح دیگری از «علی بن یقطین» وارد شده است که می‌گوید:

«سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ»

از امام کاظم سؤال کردم.

«أبا الحسن الأول» امام کاظم (علیه‌السلام) است، «أبا الحسن الثاني» امام رضا (علیه‌السلام) است و «أبا الحسن الثالث» امام هادی (علیه‌السلام) است. البته باید قرینه پیدا کرد که راوی از اصحاب کدام ائمه است. به عنوان مثال یک مرتبه راوی از اصحاب امام هادی است و بعد از شهادت امام رضا به دنیا آمده است. زمانی که می‌گویند «أبا الحسن» مقداری مشکل به وجود می‌آید، زیرا «أبا الحسن» را بصورت مطلق گفته است و به امام کاظم (علیه‌السلام) انصراف دارد. ما در «موسوعه امام هادی (علیه‌السلام)» و «موسوعه امام رضا (علیه‌السلام)» مفصل روی این مباحث کار کردیم، زیرا حتی برای بعضی از اعظام و بزرگان اشکال ایجاد شده بود. به عنوان مثال «ابوالحسن کاظم» نوشته است، حال آنکه راوی بعد از شهادت امام رضا تازه به دنیا آمده است و اصلاً امام رضا را درک نکرده است، چه رسد به اینکه امام کاظم را درک کرده باشد. همچنین افرادی بوده‌اند که آقایان در مورد آن‌ها گفته‌اند: «عن ابی الحسن الثالث» یا «عن ابی الحسن الهادی»، حال آنکه راوی قبل از امام هادی (علیه‌السلام) از دنیا رفته است و اصلاً زمان امام هادی را درک نکرده است.

این مشکل، یکی از مشکلاتی است که ما بین «أبا الحسن»ها در بعضی از روایات داریم. همچنین در اسم «ابی جعفر» که بین امام باقر و امام جواد (علیهما السلام) مشترک است، مشکلاتی داریم.

اگر دوستان جلد آخر موسوعه امام جواد (علیه السلام) را ملاحظه کنند، می‌بینند ما در آنجا موارد متعددی را آوردیم که قلم علمایی مانند «مرحوم علامه مجلسی» و «شیخ حر عاملی» مقداری لغزش کرده است. به عنوان مثال «ابی جعفر» که مربوط به امام باقر (علیه السلام) بوده است را «ابی جعفر الجواد» نوشته است یا مواردی که مربوط به امام جواد (علیه السلام) بوده است را «ابی جعفر الباقر» نوشته‌اند!

امروزه با امکاناتی که وجود دارد می‌توان این مشکلات را حل کرد. لازم به ذکر است که حل این مشکلات احتیاج به صبر و حوصله دارد.

در زمان گذشته علما فرصتی نداشتند که روی یک روایت چند ساعت مطالعه کنند که مشخص شود «أبا الحسن» اول یا دوم یا سوم است یا «ابی جعفر» امام باقر است یا امام جواد است.

البته ثمره زیادی ندارد، زیرا «أبا الحسن» هرکدام باشد معصوم هستند. خیلی تفاوت نمی‌کنند، زیرا در روایت وارد شده است:

«كَلْنَا وَاجِدًا أَوْلْنَا مُحَمَّدًا وَ آخِرْنَا مُحَمَّدًا وَ أَوْسَطْنَا مُحَمَّدًا وَ كَلْنَا مُحَمَّدًا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲۶،

ص ۶، ح ۱

همچنان که در روایت وارد شده است:

«خَلَقَكُمُ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكَم بِعَرْشِهِ مُخَدِّقِينَ حَتَّىٰ مَنْ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَكَم فِي بُيُوتِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ

يَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ»

تهذيب الأحكام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۶،

ص ۹۸، ح ۱

در بعضی جاها فرق می‌کند. به عنوان مثال ما در بعضی روایات «ابن سنان» داریم که یک مرتبه از امام کاظم (علیه‌السلام) نقل می‌کند.

«ابن سنان» که بتواند از امام صادق (علیه‌السلام) نقل کند، «عبدالله ابن سنان» است. همچنین «ابن سنان» که از امام جواد (علیه‌السلام) نقل می‌کند، «محمد بن سنان» است. «محمد بن سنان» ضعیف است و «عبدالله بن سنان» ثقه است.

این موارد وجود دارد. گاهی اوقات که می‌گوییم ثمره‌ای ندارد مراد این است که از نظر معصوم ثمره ندارد، اما آن راوی که مشترک بین امام کاظم و امام رضا و امام هادی (علیهم‌السلام) است. گاهی اوقات همین راوی با این نام ثقه است و از اصحاب امام کاظم (علیه‌السلام) است. همچنین ممکن است همین راوی با همین نام غیرثقه بوده و از اصحاب امام هادی باشد. لذا معین کردن این موارد سبب می‌شود که خود راوی مشخص شود و اعتبار روایت فرق می‌کند. در روایت وارد شده است:

«سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ فِي سَفَرِهِ وَ هُوَ مَسِيرَةٌ يَوْمًا»

از امام کاظم درباره فردی که به اندازه یک روز مسافرتش طول می‌کشد، سؤال کردم.

«قَالَ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّقْصِيرُ إِذَا كَانَ مَسِيرَةً يَوْمًا وَإِنْ كَانَ يَدُورُ فِي عَمَلِهِ»

حضرت فرمود: قصر بر او واجب است در صورتی که یک روز مسافرت کرده باشد، اگرچه در مسافرت بصورت گردش‌کنان می‌رود.

تهذیب الأحکام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۳،

ص ۲۰۹، ح ۱۲

به عنوان مثال یک مرتبه به اندازه دو فرسخ بصورت طولی می‌رود، سپس به اندازه یک فرسخ برمی‌گردد و به سمت شمال می‌رود بعد از آن برمی‌گردد و یک فرسخ به طرف جنوب می‌رود یا به صورت دایره‌وار به این شهر و آن شهر می‌رود. در مجموع «مسیره یوم» می‌شود!

همچنین صحیحه «ابن ابی عمیر» هست از «ابی ایوب» که می‌گوید:

«سَأَلْتُهُ عَنِ التَّقْصِيرِ»

در مورد نماز قصر از امام صادق علیه السلام سؤال کردم.

قَالَ فَقَالَ فِي بَرِيدَيْنِ أَوْ بِيَاضِ يَوْمٍ»

تهذیب الأحكام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۳،

ص ۲۱۰، ح ۱۵

در اینجا ما هم «بریدین» داشتیم، هم «بیاض یوم» داشتیم و هم «مسیره یوم» داشتیم. در موثقه «معاویه بن عمار» آمده است:

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي كَمْ أَقْصَرُ الصَّلَاةَ»

از امام صادق پرسیدم: در چه سفرهایی می‌توانم نماز را شکسته بخوانم؟

«فَقَالَ فِي بَرِيدٍ أَوْ لَا تَرَى أَنَّ أَهْلَ مَكَّةَ إِذَا خَرَجُوا إِلَى عَرَفَةَ كَانَ عَلَيْهِمُ التَّقْصِيرُ»

حضرت فرمود: هنگامی که مردم مکه به عرفه می‌روند، نمازشان را شکسته می‌خوانند.

تهذیب الأحكام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۳،

ص ۲۰۸، ح ۸

بازهم در روایت صحیحی از «معاویه بن عمار» وارد شده است که می‌گوید به امام صادق (علیه‌السلام) عرض کردم:

«إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ يَتِمُّونَ الصَّلَاةَ بِعَرَفَاتٍ»

ما اهل مکه را می‌بینیم که به تبع عثمان در عرفات نمازشان را تمام می‌خوانند.

«قَالَ وَيَلَهُمْ أَوْ وَيَخَهُمْ وَ أَى سَفَرٍ أَشَدُّ مِنْهُ لَا تُتِمُّ»

حضرت فرمود: وای بر آنها! کدام سفری بالاتر از مکه به عرفات است که در آنجا نماز را شکسته بخواند و تمام نکند.

تهذیب الأحکام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۳،

ص ۲۱۰، ح ۱۶

ما در جلسه بعد به اقوال فقهای اهل سنت هم اشاره می‌کنیم که امروز نرسیدیم. آقایان می‌توانند کتاب «خلاف» اثر «شیخ طوسی» جلد اول صفحه ۵۶۷ را هم مطالعه کنند، زیرا ایشان مطالب خوبی دارد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته